

آیین‌های طهارت در دین زرتشتی

محمد مشهدی نوش آبادی^[*]، عباس رجبی گوندره^[**]

^[*] استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ Mmn5135@yahoo.ca

^[**] کارشناسی ارشد ادیان و عرفان؛ Abbas466@Gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۵/۲۸

چکیده

آیین‌ها و آداب طهارت زرتشتیان یکی از وجوه نمایان دین زرتشتی است که در متون مقدس اوستایی ریشه دارد. به نظر می‌رسد این آیین‌ها که در دورانی پیش از زرتشت برای حفظ اجتماعات بشری از گزند پلیدی‌ها و بیماری‌ها مورد توجه بودند، با گذشت زمان و پیوستن به تعالیم دینی زرتشتیان، رنگ و بوی دیگری گرفتند. در این مقاله سعی شده است ابتدا پیش‌زمینه‌ی تاریخی این آیین‌ها مطرح شود و سپس با مطالعه و بررسی متون مقدس اوستایی، همه‌ی آیین‌هایی که در ارتباط با این مسئله طرح و سفارش شده‌اند، به طور دقیق توصیف و تبیین شوند. البته به فراخور موضوع، خاستگاه و فلسفه‌ی این آیین‌ها و نظرات محققان موافق و مخالف نیز مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در مجموع آنچه در این باره در اوستا و به‌ویژه وندیداد که بخش بزرگی از آن به مسئله‌ی طهارت می‌پردازد، درج شده، حکایت از آن دارد که پاکی و احکام مرتبط با آن، گستره‌ی وسیع حیات انسان و عناصر طبیعی را در بر می‌گیرد. این آیین‌ها با اصطلاحاتی چون برش‌نوم، پادیاب و سگ دید و... و در بعضی موارد بدون نام خاصی بیان شده‌اند. وجود آدابی چون استفاده از گمیز در دوران باستان نیز امری عادی به شمار می‌رود. با وجود تأکید فراوان بر طهارت، گرچه مبتنی بر ثنویت زرتشتی است، افراط‌های شدید در وندیداد با ماهیت پیام زرتشت ناسازگار به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: احکام، زرتشتیان، وندیداد، تطهیر، پاکی و ناپاکی.

۱. بیان مسئله

مسئله‌ی طهارت و پاکی، یکی از مهم‌ترین مسائل ادیان است. ادیان مختلف درباره‌ی این موضوع قوانین، احکام و آیین‌هایی وضع کرده‌اند و هر دینی با توجه به فلسفه و جهان‌بینی خود از این آیین‌ها انتظارات مشخصی دارد.

در ادیان جهان نمونه‌هایی در مورد مسئله‌ی طهارت وجود دارد. در هند پاکیزگی دقیقاً به معنای دینداری بود و بهداشت تنها یک اصل اخلاقی نبود، بلکه جزء اساسی پارسایی به شمار می‌رفت. برای مثال در قوانین مانو آمده است: «برهمن هنگام صبح باید شست‌وشو کند، تنش را بیاراید، دندان‌ش را پاکیزه کند، سرمه به چشم کشد و خدایان را پرستش کند» (دورانت، ۱۳۷۰: ۵۶۷-۵۶۸).

در دین یهود نیز آیین‌های تطهیر، قوانین رفتاری هستند که به طور دقیق رعایت می‌شوند (Cooke, 1980: 10/490). همچنین در مسیحیت معنای اولیه‌ی غسل تعمید می‌تواند همان شست‌وشو باشد، ولی معمولاً بار معنایی این عمل بیش از یک شست‌وشوی معمولی است (Townsend, 1980: 10/474). در دین اسلام نیز قوانین پاکی بیشتر بر قرآن کریم مبتنی است که در آن تأکید شده است برای عبادت خدا، باید تطهیر و شست‌وشو انجام شود (Popper, 1980: 10/496). گرچه آیین‌های طهارت بخش مهمی از اعمال دینی هستند، این اصل، به ویژه در سنت زرتشتی بسیار مهم است؛ زیرا انجام آیین‌ها در حفظ ایمان نقش تعیین‌کننده دارد (Hintze, 2004: 291)؛ چنانکه عالمان زرتشتی به ملازمت پاکی ظاهری و باطنی معتقدند و برآنند که پاکی بیرونی باید با پاکی درونی و اخلاقی و زندگی توأم با پرهیزکاری باشد (هینلز، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

برای انسان دینی و به‌ویژه برای یک زرتشتی، مفاهیم دوگانه‌ی پاکی و ناپاکی، نقش مهمی را در زندگی روزانه ایفا می‌کنند. برخی از محققان مانند ویلیامز معتقدند که «کل نظام الاهیات زرتشتی، از عقاید آن درباره‌ی خلقت گرفته تا رستاخیز، مبتنی بر اصل طهارت در تمامی سطوح و مراتب است» (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۷۶).

هرچند در حوزه‌ی بررسی عقاید و آداب زرتشتیان تحقیقات گسترده‌ای انجام شده، به صورت جداگانه به این مسئله‌ی مهم پرداخته نشده است و اگرچه محققان بزرگی چون مری بویس به این آیین‌ها اشاراتی داشته‌اند؛ اما تکیه‌ی اصلی ایشان بر متون پهلوی یا گزارش مشاهداتشان از زندگی روزمره‌ی مزدیسنان بوده است؛ از این رو در این پژوهش، می‌کوشیم با تمرکز بر اوستا این مسئله را که یکی از مسائل مهم و در عین حال چالش‌برانگیز دین زرتشتی است، مورد بررسی قرار دهیم و خاستگاه و فلسفه‌ی آن را بیان کنیم.

۲. آیین‌های طهارت

در این بخش مسئله‌ی طهارت در متون اوستایی را بررسی می‌کنیم و به شرح و تفصیل آنچه در اوستا پیرامون آیین‌های پاکی، پاک‌کننده‌ها و عناصر پلیدی آور آمده است، می‌پردازیم. حدود سه چهارم متون اوستایی که در دوره‌ی ساسانی تدوین شده‌اند، از میان رفته است و آنچه برجای مانده است بیشتر در آیین‌های عبادی کاربرد داشته و در پنج بخش تنظیم شده است که عبارت‌اند

از: ۱- یسنا که دربردارنده‌ی گاهان است؛ ۲- ویسپَرَد؛ ۳- یشت‌ها؛ ۴- خرده‌اوستا و ۵- وندیداد (تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۶).

بخش‌های اوستا از لحاظ ساختار زبانی نیز با هم اختلافاتی دارند؛ بدین صورت که بر اساس ویژگی‌ها و قدمت زمانی به دو دوره تقسیم می‌شوند که یکی گات‌ها و دیگری بخش‌های متأخر را در بر می‌گیرد (همان: ۳۶).

در این بررسی، طبق تقسیم‌بندی یادشده، ابتدا به مسئله‌ی طهارت در یسنا و گات‌ها می‌پردازیم، در ادامه این مسئله را در یشت‌ها مورد جست‌وجو قرار می‌دهیم و در پایان، وندیداد را که مفصل‌ترین بخش در ارتباط با این آیین‌ها است، بررسی می‌کنیم. از آنجا که در نگاه دانشمندان مطالعات دین زرتشتی، خرده‌اوستا و ویسپَرَد مضامین خود را از یسنا گرفته‌اند، در این پژوهش، از بررسی این دو به صورت جداگانه می‌پرهیزیم و تنها یسنا را به عنوان بخش اصلی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. طهارت در یسنا

در آغاز بررسی طهارت در یسنا، شایسته است ابتدا این مسئله را در گاهان بررسی کنیم که شامل سروده‌های خود زرتشت است. گاهان به این دلیل که دربردارنده‌ی آراء و اندیشه‌های زرتشت است، اهمیت فراوانی دارد؛ اما با توجه به کوتاهی متن، زبان شعری و وجود لغات ناشناخته‌ی بسیار، به درستی نمی‌توانیم آنچه را که در اندیشه‌ی زرتشت بوده است، درک کنیم؛ با این حال از مجموع آن می‌توانیم افکار و عقاید اساسی پیامبر ایران باستان را دریابیم (همان: ۳۷).

در گاهان تکیه بر راستی است که اصل بنیادین تعالیم زرتشت است. بحثی از نذر و نیازها و پرستش گروه ایزدان به میان نیامده و هر چه هست سفارش انسان به اندیشیدن و گزینش آزادانه‌ی راه راست است (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۱/۴۶). در اندیشه‌ی زرتشت تمام هستی و عناصر زندگی ستودنی است. وی پاکی و پاکیزگی را برای مردم از روز زادن بهتر می‌داند و معتقد است جهان را باید به درستی پرورانید و آن را به سوی روشنایی برد (یسنا: ۵/۴۸).

آتش (آذر) پدیده‌ای طبیعی است که مورد تکریم و ستایش زرتشت قرار گرفته است و از آن به عنوان سمبل پاکی و راستی یاد می‌کند (همان: ۴/۴۳) و از سوی دیگر، نوعی «شراب یا می» (اوستایی: mada-) ناپاک شمرده شده و صفات پلیدی و فریبندگی بدان نسبت داده شده است (همان: ۱۰/۴۸). در یسنا نیز مانند گاهان، مطالب چندانی درباره‌ی آیین‌های تطهیر ذکر نشده است؛ با این حال در هات ۱۰ با مطالبی روبه‌رو می‌شویم که در تعارض با تعالیم زرتشت در گاهان هستند و می‌توانیم آن‌ها را در ارتباط با آیین‌های طهارت مورد بررسی قرار دهیم. در این هات، از شراب هوم با ویژگی‌هایی مانند کشنده‌ی دیوان، شفا‌دهنده و از بین برنده‌ی پلیدی‌ها و هر نوع آلودگی که در محلی به وجود آید، یاد شده است (همان: ۷-۶/۱۰).

در یسنا آب نیز به عنوان یکی از پاک‌کننده‌های مهم شناخته می‌شود و بر توانایی و قابلیت آن در شست‌وشو و پاک کردن آلودگی تأکید شده است (همان: ۳/۳۸). بخش دیگری که می‌توان آن را در ارتباط با آیین طهارت دانست، هات ۶۵ است که در آن از آیین پادیابی و حفظ پاکی آب و خاک سخن رفته است. در این هات، موضوع ارتباط پاکی درونی و پاکی بیرونی مورد توجه قرار گرفته و توصیه شده است کسی که اخلاق و عادات نادرست دارد و کسی که مرداری را در خاک دفن کند، به یک اندازه ناپاک هستند و باید آب، این آفریده‌ی حیات‌بخش را از پلیدی آن‌ها دور نگه داشت: «آب از آن دزد، ... و کسی که مردار به خاک سپارد، مباد» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۱/۲۴۶).

۲-۲. طهارت در یشت‌ها

در یشت‌ها نیز مطالب مختصری درباره‌ی مسئله‌ی طهارت و آیین‌های تطهیر ثبت شده است. بخشی درباره‌ی عناصر پاک‌کننده و پلیدی است و در یک مورد نیز به احکامی درباره‌ی شکلی از شست‌وشوی آیینی اشاره شده است.

در یشت‌ها یکی از مطهرات، ذکر نام امشاسپندان است (یشت‌ها: ۷-۲/۴). پاک‌کننده‌ی دیگری که در یشت‌ها دیده می‌شود آب بی‌آلایش اَشَوَن «اَرَدَوی» است که در آبان‌یشت یاد شده است (همان: ۱/۵) البته مهم‌ترین پاک‌کننده در یشت‌ها، خورشید است که باعث تطهیر تمامی موجودات و عناصر جهان می‌شود (همان: ۳-۲/۶).

از سوی دیگر، دیوان مهم‌ترین عامل گسترش پلیدی و ناپاکی در جهان هستند و انسان پارسا با ذکر نام امشاسپندان و کشیدن شیاره‌هایی به دور خود می‌تواند خود را از شر و آلودگی آن‌ها حفظ کند (همان: ۵۰/۱۰).

در مهریشت، در پرسش و پاسخی بین اهورامزدا و زرتشت، برای بهره بردن از زور آیینی و فراهم کردن خشنودی مهر و به دست آوردن آرامش درونی، شست‌وشویی آیینی به مدت پنج شبانه روز سفارش شده است (همان: ۱۲۲/۱۰).

۲-۳. طهارت در وندیداد

وندیداد نوزدهمین نسک از اوستای ساسانی و تنها نسکی است که سالم مانده است. از آنجا که بیشتر احکام و قوانین فقهی و حقوقی زرتشتیان در وندیداد مندرج است، موجب توجه محققان و دانشمندان قرار گرفته و برای آشنایی با جنبه‌های مختلف جامعه‌ی زرتشتیان پیشین بسیار مفید است (Malandra, 2006). در این بخش، تمامی مطهرات، عناصر پلید یا پلیدی‌آور و آیین‌های طهارت موجود در وندیداد را بررسی می‌کنیم.

۱-۳-۲. مطهرات

از بررسی مجموع مطالب موجود در وندیداد، تعدادی عنصر پاک کننده شناسایی شده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

خورشید: یکی از مهم‌ترین پاک کننده‌های موجود در اوستا خورشید است؛ برای مثال یکی از موارد به کارگیری خورشید در آیین‌های تطهیر این گونه بیان شده است: «پس همین که پرندگان به پرواز در آمدند، گیاهان رستند، سیلاب‌ها روان شدند و باد بهاری آب‌های روی زمین را خشکاند، مزدپرستان باید تن مرده را در دخمه در آفتاب بگذارند. هرگاه مزدپرستان تا یک سال تن مرده را در دخمه در آفتاب نگذارند، همان پادافره کسی که آشونی را بکشد، سزاوار آنان خواهد بود» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۷۰۶/۲).

آتش: یکی از مقدس‌ترین و پاک‌ترین عناصر جهان، آتش است که در آیین‌های دینی زرتشتیان جایگاهی بسیار والا دارد. دود و بوی آتش نیز چنان نیرویی دارند که می‌توانند در لحظه‌ای هزاران دیو را از پای در آورند (وندیداد: ۸/۸۰). با اینکه زرتشتیان آتش را مقدس می‌دانند، هیچ‌گاه از آن برای تطهیر استفاده نمی‌کنند و تنها از خاکستر و دود آن برای رفع آلودگی استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده قابلیت آتش و عناصر مرتبط با آن در پاک کنندگی است (همان: ۵۱/۵).

آب: آب نیز که یکی از تواناترین عناصر در از بین بردن ناپاکی‌ها است، از قداست والایی برخوردار است. مقدس بودن آب باعث شده است در فرآیند آیین‌های پاکی، برای تماس کمتر آب با آلودگی، به عنوان پاک کننده‌ی نهایی و تثبیت کننده‌ی پاکی مورد استفاده قرار گیرد؛ برای مثال در آیین برش‌نوم آخرین مرحله، شست‌وشو با آب است (همان: ۸/۳۶-۷۱). در فرگرد مذکور درباره‌ی تطهیر کسی که مرداری را لمس کرده، آمده است: «هرگاه سگان یا پرندگان مردارخوار نسو را زده باشند، او باید تن خویش را با گمیز و آب بشوید. از آن پس پاک خواهد شد» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۷۵۳/۲).

فرآورده‌های چوبی، مانند هیزم و تابوت و رستنی‌هایی مانند غلات و علوفه را که به نجاست مردار آلوده شده‌اند، با رعایت شرایطی می‌توان به وسیله‌ی آب پاک کرد (وندیداد: ۷/۳۰-۳۵). در تطهیر ظروف و پوشاک نیز آخرین مرحله‌ی شست‌وشو با آب انجام می‌شود (همان: ۷/۱۵).

خاک: خاک نیز یکی دیگر از عناصر پاک کننده در وندیداد است. این عنصر توانایی پاک‌سازی پوشاک، ظروف و افرادی را که با مرداری تماس داشته‌اند، دارد (همان: ۷/۷۴-۷۵ و ۲۹/۳۱-۳۰)؛ برای مثال در فرگرد هفتم در کیفیت پاکی ظروف زرین آمده است: «آوندهای زرین را باید یک بار با گمیز بشویند، یک بار خاک مال کنند و یک بار با آب بشویند. از آن پس پاک خواهد شد» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۷۴۲/۲).

گمیز: «گمیز» (gōmēz) واژه‌ای پهلوی است به معنی ادرار گاو که صورت اوستایی آن

gaomaēza- است (Bartholomae, 1904: 483). ادرار با خاصیت آمونیاکی‌اش توسط بسیاری از جوامع به عنوان داروی ضد عفونی کننده استفاده می شده است و در فرآیند تطهیر زرتشتیان نیز مورد استفاده بوده است. در فرگرد هشتم وندیداد سفارش شده که برای پاک کردن از گمیز کوچک یا بزرگ استفاده شود که شاید منظور، ادرار هر حیوان اهلی است (Boyce, 2003: 11/ 120-121). البته شکل دیگری از کاربرد گمیز با عنوان «نیرنگ» (پهلوی: *Nērang*) در میان زرتشتیان رایج بوده است. آیین نیرنگ عبارت است از آیین تقدیس ادرار گاو که در آیین‌های تطهیر به کار می‌رفت و مایع تقدیس شده به نام نیرنگ یا نیرنگ‌دین شناخته می‌شد (هوار، ۱۳۷۹: ۲۱۵). این آیین احتمالاً صورت مفصل و پیچیده‌ی آیینی است که در وندیداد برای پاک‌ی درونی زنی که فرزند مرده به دنیا آورده، توصیه شده است. در این آیین، ترکیب ادرار تقدیس یافته‌ی گاو همراه با خاکستر آتش، برای رفع پلیدی درونی نوشیده می‌شود (وندیداد: ۵/ ۵۱).

استفاده از ادرار تنها به ادرار گاو خلاصه نمی‌شود، بلکه در وندیداد علاوه بر گمیز، ماده‌ی دیگری که در تطهیر کسانی که مرده را تا دخمه حمل کرده‌اند سفارش شده است، ادرار مرد و زنی است که ازدواج هم‌خونی، «خویدوده» (اوستایی: *xvaētvadaθa-*)، کرده باشند که از آن با عنوان «مئسمن» (اوستایی: *maēsma-*) یاد می‌شود (همان: ۱۳/ ۸).

وندیداد نگاه سگ را نیز در زدودن پلیدی از لاشه‌ی مردار مؤثر می‌داند. نگاه سگ، علاوه بر توانایی دفع ناپاکی مردار، در پاکسازی راهی که مردار از آن به سوی دخمه برده می‌شود نیز مؤثر دانسته شده و به استفاده از سگ در آیین‌های تطهیر سفارش فراوان شده است (همان: ۳/ ۷ و ۱۶/ ۸). قبول دین مزدیسنی نیز مرد اشون را از همه‌ی اندیشه‌های بد، گفتارهای بد و کردارهای بد پاک می‌کند، همچون باد تند شتابنده‌ای که دشت را کاملاً پاک می‌کند (همان: ۴۳/ ۳).

زمنه‌ی کلمات مقدسی از اوستا (باژ) در بسیاری از آداب و مناسک، مفید و سودمند بود. از جمله آیین‌هایی که در حین اجرای آن باید اوستا خوانده می‌شد، آیین‌های طهارت بودند که با خواندن این اوراد همه چیز پاک می‌شد (همان: ۴۵-۴۶/ ۹).

۲-۳-۲. نجاسات (پلیدی‌ها)

در وندیداد مبحث نجاسات ارتباط مستقیمی با مسئله‌ی دیوان دارد. ناپاکی از طریق تماس با عناصر و موجودات ناپاکی است که به اهریمن و دیوان نسبت داده می‌شوند؛ از این رو منشأ همه‌ی ناپاکی‌های موجود در جهان، اهریمن و موجودات دیو آفریده هستند. در ادامه، موارد ناپاکی موجود در وندیداد را بررسی و بیان می‌کنیم.

در تعالیم زرتشتی اصطلاحی که به نجاسات دلالت می‌کند، «هخر» (اوستایی: *hixra-*) است؛ نجاساتی که در معرض خطر پلیدی دیو مرگ قرار گرفته‌اند. این واژه در فرگرد پنجم وندیداد به

ناپاکی های ناشی از لاشه ی مردار اشاره دارد و در متون پهلوی و پارسی، برای فضولات بدن نیز به کار می رود. این توسعه ی معنا در دوران بعد، باعث شد که نجاست مردار از دایره ی شمول این واژه خارج شود و اصطلاح «نسا» (اوستایی: *Nasav-*) به طور خاص بر آن اطلاق شود و واژه ی هخر برای فضولات و آنچه از بدن انسان جدا شود، به کار رود (Choksy, 1989: 78).

تماس با جسد مردگان سرچشمه ی آلایش و پلیدی است و هر کس که کالبد مرداری را لمس کند، باید غسل کند و خود را مطهر سازد (وندیداد: ۳۳/۸-۷۰). برای یک مزدپرست، مردن انتقال به قلمروی دروج نسو بود؛ بنابراین برای کاهش زیان این دیو و حفاظت از همه ی موجودات و لوازم نیک و مکان ها از تسلط او، ضروری بود که لوازم و مکان آلوده هرچه زودتر از چنگال دروج آزاد شوند (Carnoy, 1980: 10/491).

همچنین هر چیزی که از لاشه ی مردار ناشی شود و به بیرون بریزد، همچون استخوان، خون، ادرار و...، پلید هستند (وندیداد: ۷/۶). نکته ی جالب توجه، پاکی و نجاست ادرار است که گاهی پاک کننده و گاهی پلید دانسته شده است. به این ترتیب می توان گفت که در وندیداد دو نوع ادرار قابل شناسایی است؛ یکی «مئسمن» که پاک کننده و از جهان اهورایی است و دیگری «مؤثر» (اوستایی: *mūθra-*) که پلید و آفریده ای اهریمنی است (Skjærvø, 2004: 268).

در فرگرد مذکور، این مسئله نیز مطرح می شود که آلودگی به نجاست لاشه به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم می تواند ایجاد شود. ناپاکی مستقیم «هم-رئوه» (اوستایی: *hām-raēθwa-*) آلودگی و نجاستی است که فرد در تماس مستقیم با لاشه به آن دچار می شود و اگر افراد با کسی که به طور مستقیم آلوده شده تماس یابند، به طور غیرمستقیم، «پئی تی-رئوه» (اوستایی: *paiti-raēθwa-*) ناپاک خواهند شد (وندیداد: ۲۷/۵-۳۸ و ۹/۱۱).

دلیل دیگر آلودگی ها، همه ی چیزهایی هستند که هنگام بیماری یا در هنگام تندرستی از بدن انسان جدا می شوند. فضولات ناشی از درست یا نادرست کار کردن اعضا و جوارح بدن ناپاک هستند. ادرار، مدفوع و احتلام شبانه ناپاک به شمار می روند و نباید با پوشاک انسان تماس یابند (همان: ۱۳/۷-۱۴). البته در دین زرتشتی هر چه از تن جدا شود، مانند مو و ناخن و آب دهان و نفس نیز ناپاک است. دلیل این ناپاکی این است که ناخن یا مو به محض کوتاه کردن یا بریدن مانند اجزای مردار محسوب می شوند و مردار در تصرف دیو مرگ خواهد بود (همان: ۱/۱۷). یکی دیگر از مهم ترین منابع آلودگی، انسانی است که اعتقادی به تعالیم دین زرتشتی ندارد، اما مردار انسان بی دین یا بددین پس از مرگ هیچ گونه پلیدی نخواهد داشت، زیرا وی پس از مرگ توانایی ایجاد فساد و شر در این جهان را ندارد (همان: ۳۵/۵-۳۸ و ۲۲/۱۲-۲۴).

قاعدگی یا «دشتان» (اوستایی: *daxšta-*) در وندیداد نشانه ای اهریمنی است که اگر زنی به آن دچار شود، اهریمن یا دیوی در تن او حلول کرده و موجب ناپاکی و انزوای او از جامعه خواهد

شد و تا زمانی که این نشان اهریمنی با اوست، باید زندگی جداگانه و انفرادی اختیار کند (همان: ۱۳-۱/۱۶).

موجودات زیان‌آوری مانند مورچه، مار و... به علت زیان‌هایی که در محیط زندگی انسان ایجاد می‌کنند، موجب گسترش ناپاکی‌ها می‌شوند، به همین دلیل در شمار «خرفستران» (اوستایی: *xrafstra-*) و آفریده‌های اهریمنی هستند که در بسیاری از موارد افراد برای کفاره‌ی گناهان و تکمیل آیین تطهیر باید شمار معینی از آن‌ها را بکشند (همان: ۱۲/۱۶).

۳-۲-۳. آیین‌های تطهیر

دروندیداد آیین‌هایی برای تطهیر انسان و دیگر موجودات و ابزارها و لوازم زندگی تعیین شده‌اند که در ادامه به بررسی و شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۳-۱. **تطهیر انسان:** انسان در تعالیم زرتشتی موجودی دوبعدی است که جسم و روح دارد و آیین‌های تطهیر تنها در پی پاکی ظاهری انسان نیستند، بلکه در اصل می‌خواهند پاکی درونی و معنوی فرد را حفظ و بازسازی کنند.

موبدانی که عهده‌دار وظایف و اجرای حدود شرعی و مراسم تطهیر و دیوزدایی هستند، «یوژداثرگر» (اوستایی: *yaozdaθrya-*) نامیده می‌شوند (رضی، ۱۳۸۵: ۲/۶۷۳). به شخص ناپاک «ریمن» می‌گویند که او را برای تطهیر باید به برش‌نوم گاه برند و در نه مرحله شست‌وشو دهند (آشتیانی، ۱۳۷۱: ۳۵۷).

مهم‌ترین آیین تطهیر، آیین برش‌نوم است که شامل سه دوره‌ی شست‌وشو با گمیز، خاک و آب است و با جدایی نه شبه ادامه می‌یابد. این آیین توسط یوژداثرگر سرپرستی می‌شود. این شست‌وشو از سر تا پا انجام می‌شود و به همین دلیل نام آن از واژه‌ی «برش‌نو» (اوستایی: *barōšnav-*)، به معنی سر، گرفته شده است. نام خاص آیین، برش‌نوم «نه شبه» است و هدف آن پاکسازی افراد آلوده شده به تماس با مردار است (Boyce, 1989: 3/ 756-757).

این آیین، به صورت مشروح در فرگرد هشت و فرگرد نه توصیف شده است. در فرگرد هشتم، آمده است که فردی که مرداری را لمس کرده، اگر لاشه توسط سگان و پرندگان مردارخوار خورده شده یا آیین سگ‌دید انجام شده باشد، تنها با شست‌وشو با گمیز و آب، یعنی بدون انجام هیچ آیین خاصی، پاک خواهد شد؛ اما اگر لاشه هنوز سگ‌دید نشده است، باید آیین مفصل و پیچیده‌ای به جا آورده شود که شرح آن را در زیر می‌آوریم:

ابتدا باید سه گودال کم عمق «مَغَه» (اوستایی: *marya-*) حفر شود تا فرد تمام بدن خود را در آنجا سه بار با گمیز یا ادرار مرد و زنی که خویدوده کرده باشند، شست‌وشو دهد. در هنگام

شست و شو باید سگی حضور داشته باشد و اجرای این آیین را تماشا کند. سپس بار دیگر باید سه گودال دیگر حفر شود تا فرد خود را با گمیز شست و شو دهد. سگ باید فرد را تا زمان خشک شدن کامل، نگاه کند. زمانی که بدن فرد خشک شد، سه گودال دیگر، سه گام دورتر از دو مغه‌ی پیشین، حفر می‌شود که فرد بدن خود را این بار با آب می‌شوید. وی ابتدا دستان خویش را سه بار می‌شوید. سپس آب را از بالای سر به روی او می‌ریزند تا از آلودگی دیو نسو که فرد را از فرق سر تا نوک انگشتان آلوده کرده، پاک شود. در پایان، با زمزمه کردن بخش‌هایی از گاهان، به عنوان باژ فیروزمند در برابر دیوان، آیین تطهیر کامل می‌شود (وندیداد: ۸/ ۳۵-۷۲).

در فرگرد نهم، این آیین در محلی با مختصات معین انجام می‌شود. برشنوم باید در زمینی خشک و بدون گیاه اجرا شود؛ به طوری که این محل، سی گام از آتش، سی گام از آب، سی گام از برسم و سه گام از [محل زندگی] مردم پارسا فاصله داشته باشد. در این مکان، باید نه گودال کم عمق به فاصله‌هایی معین از یکدیگر حفر شود. شش حفره‌ی نخست یک قطعه‌ی جدا است، اما حفره‌های قسمت سوم از آن‌ها کمی فاصله دارد. سپس اطراف مغه‌ی نخست سه شیار «کش» (اوستایی: *karša*) کشیده می‌شود و اطراف دو مغه‌ی نخست سه شیار دیگر کشیده می‌شود. سپس به دور مغه‌ی سوم سه شیار مجزا کشیده می‌شود و در آخر به دور این نه مغه، سه شیار کشیده می‌شود (همان: ۲/ ۹-۱۱).

هر چند در وندیداد سمت و سوی رسم شیارهای برشنوم به صورت مشخصی بیان نشده، از آنجا که در دین زرتشتی، جنوب در امتداد آسمان و شمال رو به سوی دوزخ قرار دارد، مکان این آیین، به گونه‌ای رسم می‌شد که نقطه‌ی آغاز از شمال شروع شود و به سوی جنوب حرکت کند و پایان باید (Choksy, 1989: 25).

آیین دیگری نیز شبیه به آیین برشنوم وجود دارد که برای تطهیر انسانی به کار می‌رود که به پلیدی مردار به صورت غیر مستقیم آلوده شده است. این آیین اندکی با آیین برشنوم نه شبه متفاوت است (وندیداد: ۱۹/ ۲۰-۲۵)؛ اما چون دلیل اجرای این مراسم نجاست مردار است و به برشنوم نیز شبیه است، می‌توان آن را آیین برشنوم «نه شبه‌ی کوچک» نامید (Ibid: 30).

«سی شور» یا «سی شو»، ساده‌ترین شست و شو برای فردی است که آلوده به مردار شده است. اگر فردی در مکانی دور از آبادی، مرداری را لمس کند و امکان اجرای آیین برشنوم نباشد و مردار نیز «سگ‌دید» نشده باشد، باید خود را سی بار با ادرار گاو نر شست و شو دهد؛ به گونه‌ای که تمام بدن شسته شود و اگر برای مردار آیین سگ‌دید انجام شده باشد، باید پانزده بار با ادرار گاو نر خود را بشوید و پس از آن آیین برشنوم را به جا آورد و اگر کسی عهده‌دار تطهیر وی نشد، موظف است که خود را با گمیز و آب پاک کند (وندیداد: ۸/ ۹۷-۱۰۳).

«آپه مان» (اوستایی: *upamanayan*) به معنای زندگی جداگانه‌ی خویشاوندان مرده در مدت

زمان معین است که احتمالاً دیو مرگ آن‌ها را نیز آلوده کرده است. این مدت با توجه به درجه‌ی قربت کم یا زیاد می‌شود؛ یعنی بر حسب اینکه فرد خویشاوندی نزدیک‌تر یا دورتر با متوفی داشته باشد، دوره‌ی تطهیر و سوگواری طولانی یا کوتاه‌تر می‌شود. (همان: ۱۲/ ۱-۲۰).

البته دارمستتر معتقد است: «آنچه باید از این واژه برآید، شرح داده نشده است؛ اما چنین پیداست که منظور از آن، مدت توقف فرد ناپاک در مکانی جداست که باید در طی آن از دیگر مردمان پارسا و از هر چیز پاک دوری گزینند. چنین می‌نماید که خویشاوندان مرده به سبب خویشی با او ناپاک محسوب می‌شوند و به همین دلیل آن‌ها را از بخش‌های عادی خانه و از تماس با دیگران دور نگه می‌دارند؛ بنابراین، افزون بر ناپاکی همگانی که در اثر تماس با مرده پیدا می‌شود، گونه‌ی دیگری از ناپاکی وجود دارد که علت آن، خویشاوندی با مرده است. رشته‌ی پیوند خونی که اعضای یک خانواده را به هم مرتبط می‌سازد، به گونه‌ای است که هیچ عضوی در آن خانواده نمی‌میرد مگر آنکه مرگ به همه‌ی اعضای خانواده راه می‌یابد» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۹۰۴/۲).

علت دیگری که موجب اجرای آیین برش‌نوم می‌شود، قاعدگی زنان است. زن در دوره‌ی قاعدگی باید در اتاقی جدا نگه داشته شود که واژه‌ی «آئیرمه گاتو» (اوستایی: *airmie gātūm*) به معنای مکانی جدا و منزوی اشاره به آن دارد. البته در گزارش پهلوی وندیداد، اصطلاح مذکور به «آرمیشتان گاه» (پهلوی: *armēštān gāh*) تغییر کرده است (رضی، ۱۳۸۵: ۸۴۴/۲؛ Bartholomae, 1904: 189). اگر قاعدگی زن پس از سه یا چهار روز پایان یافت، می‌تواند با شست‌وشوی خود با آب و گمیز به صورت معمولی، از محل خارج شود؛ اما اگر این دوره تانه روز ادامه یافت، باید آیین برش‌نوم نشوه را با همان کیفیتی که بیان کردیم به جای آورد و برای تکمیل آیین و باز یافتن پاکی خود تعداد معینی از خرفستران، اعم از مورچه و دیگر موجودات اهریمنی را بکشد (وندیداد: ۱۶/ ۱-۱۲).

همچنین، زنی که فرزند مرده به دنیا آورده، علاوه بر نوشیدن نیرنگ که موجب تطهیر اعضای درونی او، مخصوصاً زهدان، می‌شود، باید مانند کسی که با مرداری تماس یافته و بر او غسل برش‌نوم واجب شده است، احکام و مقررات برش‌نوم را به مدت نه شب و روز رعایت کند (همان: ۴۵-۵۶).

آیین «پادیاب» (پهلوی: *Pādyāb*)، ساده‌ترین آیین طهارت است که به صورت روزانه چندین بار اجرا می‌شود. این آیین در اصل به عمل شستن بخش‌های ظاهری بدن به وسیله‌ی گمیز دلالت می‌کند (Choksy, 1989: 53-54). این آیین در زمان برخاستن از بستر، پیش از صرف غذا، پیش از خواندن دعا، هنگام نزدیک شدن به آتش مقدس و در بازگرداندن پاکی فرد بعد از ناپاکی‌هایی همچون اجابت مزاج، آمیزش جنسی و احتلام شبانه اجرا می‌شود (Modi, 1922: 92). آیین

پادیاب احتمالاً گسترش یافته‌ی آیینی است که در فردگرد هجدهم (وندیداد: ۱۸/ ۲۱-۲۲) افراد باید هنگام نزدیک شدن به آتش مقدس انجام می‌دادند تا موجب آلودگی آتش مقدس نشوند (Boyce, 1992: 5/ 693).

۲-۳-۳-۲. **دفع ناپاکی مردار:** هدف اصلی این آیین‌ها که با سرنوشت نهایی جسد توأم بودند، محدود کردن گسترش و سرایت آلودگی‌های مردار است (بار، ۱۳۸۶: ۱۳۴)؛ از این رو آیین‌هایی در رابطه با مردار توصیه شده است که عبارت‌اند از: آیین سگ‌دید و خورشید نگرشی. آیین سگ‌دید به این صورت است که چندین بار سگی را بر بالای سر مرده می‌برند تا به او خیره شود؛ زیرا نگاه سگ باعث بازداشتن دیوان می‌شود (وندیداد: ۳/ ۷).

پس از قرار دادن مردار در دخمه، در مدت کوتاهی حیوانات مردارخوار چیزی جز چند استخوان از آن باقی نمی‌گذارند که آن استخوان‌ها نیز با تابش نور خورشید خشک و پاک می‌شوند (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۱۴۴-۱۴۶). زمان لازم برای این فرآیند، یک سال تعیین شده است (وندیداد: ۷/ ۴۵-۵۰).

۲-۳-۳-۳. **تطهیر عناصر طبیعی و لوازم زندگی:** بخشی از آیین‌های تطهیر مندرج در وندیداد، به بحث درباره‌ی چگونگی تطهیر عناصر طبیعی، همچون آتش، آب، گیاهان و ... و اسباب و لوازم زندگی، مانند خانه، پوشاک و ظروف می‌پردازد که در ادامه‌ی به بررسی این موضوعات می‌پردازیم.

آیین‌های تطهیری که در وندیداد در باب پاکی آتش آمده است، بیشتر به حفظ و بازیابی پاکی آتش در ارتباط با مردار مربوط بوده‌اند؛ از این رو تشویق‌ها و مجازات‌های سنگینی برای پاک کردن یا آلودن آن صادر شده است (همان: ۷/ ۲۵-۲۷). در فرگرد هشتم، به طور مشروح از پاداش مردمان برای تلاش برای بازگرداندن انواع آتش‌ها به آتشگاه و تطهیر آتش‌هایی که با انواع آلودگی‌ها آلوده شده‌اند، سخن به میان آمده است؛ آتش‌هایی مانند آتش مرده‌سوز، آتش پلیدی‌سوز و آتش‌هایی که در صنایع مختلف استفاده می‌شدند (همان: ۸/ ۸۱-۹۶).

به این ترتیب، وندیداد نسبت به پاک‌سازی محیط زیست انسان‌ها و حفظ منطقه‌ی کشاورزی و دورداشت آن‌ها از هرگونه آلودگی، سفارش می‌کند که افراد گورستان‌های خود را دور از کشتزارها و جنگل‌ها و جویبارها و جایگاه‌های پرورش حیوانات برگزینند و اگر در زمینی مرداری افتاده است، به مدت یک سال از کشاورزی در آن پرهیز کنند تا پاکی زمین بازیافته شود (همان: ۶/ ۱-۲۵). وندیداد سفارشات فراوانی برای حفظ پاکی آب از آلودگی مردار می‌کند. در فرگرد ششم، درباره‌ی مقدار آلودگی آب در اثر برخورد با لاشه بیان شده است که در صورت افتادن مرداری

در استخر، چاه، رودخانه یا برف باید مقدار معینی از آب اطراف مردار جدا شود تا آب قابل استفاده شود (همان: ۶/ ۳۰-۴۱).

در مورد آلودگی هوم، این اعتقاد وجود دارد که هیچ گونه پلیدی نمی‌تواند شراب هوم را که برای آیین فدیة آماده شده است، بیالاید؛ اما اگر شاخه‌ی گیاه هوم که برای آیین آماده نشده است، با مرداری تماس یابد، آلوده می‌شود که با رعایت آداب می‌توان پاکی آن را برگرداند (همان: ۶/ ۴۳).

درباره‌ی خانه‌ای که در آن فردی مرده است، سفارش شده است که باید پاک و ضد عفونی شود. این کار با سوزاندن چوب‌های درختانی چون «اوراسنه» (اوستایی: *urvāsnā*)، «وهوگنه» (اوستایی: *vohu-gaona*) و... انجام می‌شود که دود حاصل از سوزاندن چوب این درختان قابلیت گندزدایی دارد (Modi, 1922: 167). درباره‌ی چادرها و کلبه‌ها نیز سفارش شده است که اگر تغییر مسکن اولیه‌ی مرده آسان باشد، نقل مکان کنند، جسد مرده را در محل باقی بگذارند و آنجا را با سوزاندن چوب درختان یادشده ضد عفونی کنند (وندیداد: ۸/ ۱-۳).

در وندیداد برای تطهیر فرآورده‌های چوبی در تماس با مردار، چون هیزم و تابوت، احکام خاصی وضع شده است (همان: ۷/ ۲۸-۳۱). چنین احکامی درباره‌ی تطهیر غلات و علوفه‌ای که به مصرف حیوانات می‌رسد نیز صادق است (همان: ۷/ ۲۵-۳۵).

همچنین برای پاکداشت گاو و حفظ آن‌ها از پلیدی مردار، سفارش شده است که اگر گاوی مردار انسان یا سگی را بخورد، باید یک سال از مصرف فرآورده‌های آن در آیین‌های دینی پرهیز کرد (همان: ۷/ ۷۶-۷۷).

در تطهیر ظروف و پوشاکی که با مردار تماس یافته‌اند، عامل تعیین‌کننده در پاکی، جنس آن‌ها است؛ برای مثال اگر جنس ظروف از طلا باشد، باید به ترتیب یک بار با گمیز شسته شود، یک بار خاک مال شود و یک بار با آب شسته شود (همان: ۷/ ۷۲-۷۵) و اگر لباس از جنس چرم باشد باید سه بار با گمیز شسته شود، سه بار خاک مال شود، سه بار با آب شسته شود و سه ماه در معرض هوای آزاد قرار گیرد (همان: ۱۹/ ۲۳-۲۵).

۳. خاستگاه آیین‌های طهارت

یکی از مباحث مطرح درباره‌ی آیین‌های زرتشتی خاستگاه آیین‌ها است. سؤال این است که آیا این آیین‌ها در تعلیمات بنیانگذار دین مطرح شده‌اند یا آموزه‌هایی هستند که پس از زرتشت وارد دین شده‌اند و احیاناً در تقابل با دیدگاه‌های وی قرار دارند. کم و بیش در بررسی اوستا متوجه این نکته شدیم که در گاهان تقریباً هیچ اشاره‌ای به این گونه مباحث نشده است؛ با این حال برخی از پژوهشگران مانند مری بویس، خاستگاه این فرایض را تعلیم خود زرتشت و پیوندی می‌دانند

که او میان مادیات و معنویات برقرار کرده است. بویس با اشاره به نبرد دائمی میان اهورامزدا و اهریمن و خیر و شر، پاکی و ناپاکی انسان و جهان را یکی از بخش‌های مهم این نبرد می‌خواند که در صورت تلاش‌های بشر برای پاکی خود و محیط پیرامونش، نبرد نهایی و بازسازی جهان (فراشگرد) نزدیک‌تر خواهد شد (بویس، ۱۳۷۶: ۴۰۳-۴۰۵).

گروه دیگری از محققان، مانند زنر معتقدند که این قوانین در آراء و افکار مغان ریشه دارند؛ نظامی که در دوران بعد مورد حمایت زرتشتیان قرار گرفت. مغان با جعل تعالیم خود به نام زرتشت، آموزه‌هایی همچون ثنویت، ازدواج با محارم و آیین‌های تدفین و تطهیر را در دین مزدایسی وارد کردند (زنر، ۱۳۸۷: ۲۴۱-۲۴۵). رضی نیز میان این آیین‌ها با تعالیم زرتشت هیچ سنخیتی نمی‌بیند و تفاوت و حتی تضاد آشکاری را میان آن‌ها نشان می‌دهد (رضی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱ و ۵۱-۵۲).

در تعالیم روشن گاهان، درباره‌ی ایمان توحیدی و دینی باطنی که به صورت مؤکدی ضد قربانی و آداب پرستی بوده، بحث شده است و آنچه درباره‌ی ثنویت آمده، تضاد میان دو اصل راستی، «آشه» (اوستایی: *asā*) و تباهی، «دروگ یا دروج» (اوستایی: *draog*) است (نیولی، ۱۳۸۱: ۲۶۹). در نگاه زرتشت موضوع نبرد آدمی با شر در طول زندگی که عبارت است از همکاری با خیر و نبرد با شر، امری اخلاقی بود (وادیا، ۱۳۸۷: ۷) و ثنویت، به عنوان یکی از اصول تعلیمی زرتشت در حوزه‌ی تعالیم اخلاقی جای داشت؛ اما در طول تاریخ، این دین توسط روحانیان، هم از لحاظ معنا و هم از لحاظ کارکرد مفهومی متفاوت یافت و بر همه‌ی آیین‌های دینی تأثیر گذاشت. فلسفه‌ی اجتماعی و اخلاقی زرتشتیان اولیه ظاهراً ارزش‌های ساده، اما عمیق یک جامعه‌ی در حال مبارزه را منعکس می‌کند که باید در زندگی روزمره در برابر حملات نیروهای شر مقاومت کند. هنگامی که فشارهای بیرونی کمتر شد، تضاد اصلی بین خیر و شر به طور فزاینده‌ای خود را در قالب مسائل آیینی و پاکی نشان داد (کرین بروک، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۱۲)؛ بنابراین در زمانی نه چندان طولانی پس از زرتشت، تحولاتی در دین زرتشتی رخ داد و باورها و آیین‌هایی به آن افزوده شد. یکی از این آیین‌ها طهارت بود که رابطه‌ی عمیقی با ثنویت برقرار کرد و طی این ارتباط، رعایت احکام پاکی یکی از ویژگی‌های آشکار زرتشتیان شد.

۴. فلسفه‌ی آیین‌های طهارت در دین زرتشتی

بیشتر اعمال طهارت به طور دقیق به وسیله‌ی قوانینی معین برای حفظ شخص، جامعه‌ی دینی و حتی طبیعت از ناپاکی سفارش شده‌اند. هنگامی که انسان دینی از پاکی و ناپاکی سخن می‌گوید، تنها درباره‌ی مسئله‌ی بهداشت بحث نمی‌کند، حتی اگر بیشتر این قوانین با نظریات جدید بهداشتی رابطه داشته باشند (Malandra, 1983: 162)؛ زیرا چیزهایی که در اندیشه‌ی انسان‌های نخستین

نوعی ترس و اعجاب ایجاد می‌کرد، صفت تابویی به خود می‌گرفتند و در نتیجه شخص نباید با آن‌ها تماس می‌یافت (فریزر، ۱۳۸۸: ۲۵۶).^۱

بنابراین در هستی دو دسته نیرو وجود دارد؛ دسته‌ی نیکوکار و پاسدار نظم طبیعی و اخلاقی که بخشنده‌ی زندگی، سلامت و تمامی چیزهای مهم برای بشر هستند و دسته‌ی نیروهای بد و ناپاک که به وجود آورنده‌ی بی‌نظمی، مرگ و بیماری و وسوسه‌کننده به کارهای مغایر با دین هستند (دورکیم، ۱۳۸۶: ۵۶۶-۵۶۸). مفهوم ناپاکی و ترس از ناپاکی، نتیجه‌ی سازمانده‌ی نظام مادی دینی است که عدم پذیرش همه‌ی عناصر نامطلوب، به‌ویژه بی‌نظمی را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که عکس‌العمل در برابر ناپاکی، به تقابل میان نظم و بی‌نظمی، وجود و عدم، شکل و بی‌شکلی و زندگی و مرگ می‌انجامد (Douglas, 2001: 5).

در این باره رابرتسون اسمیت معتقد است اصطلاح طهارت، به صورت ابتدایی، به معنی برنامه‌ای کاربردی است تا برای اشخاص معمولی، تابویی را از بین برند و به فرد تطهیرشده در زندگی عادی آزادی عمل دهند؛ از این رو، آیین‌های تطهیر، بیشتر برای کسانی که بخشی از تقدس خویش را از دست داده‌اند، اجرا می‌شود تا به زندگی عادی برگردند (Cooke, 1980: 10/489). در بین محققان بر سر اینکه فلسفه‌ی آیین‌های طهارت در دین زرتشتی چیست، اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که برگزاری آیین‌ها به نظام ثنوی زرتشتی و نبرد کیهانی بین اهورامزدا و اهریمن و نیروی‌های آنان مربوط است؛ اما دسته‌ی دیگر می‌کوشند رابطه‌ای بین آیین‌های زرتشتی و اصول بهداشتی پیدا کنند. در ادامه، این دیدگاه‌ها را مرور می‌کنیم.

دسته‌ای از پژوهشگران معتقدند که هدف این آیین‌ها یاری رساندن به اهورامزدا و مبارزه با اهریمن و پلیدی‌هایی بود که در پی به تباهی کشاندن آفرینش نیک بودند. در اعتقادات زرتشتی، دنیا پر از عوامل و نیروهای اهریمنی است و انسان به آسانی بر اثر تماس با آن‌ها یا مظاهر آن‌ها آلوده می‌شود (بار، ۱۳۸۶: ۱۳۰). دیوان مظهر گناهان، خطاها و تاریکی‌ها هستند و تعدادشان بی‌نهایت است. تشریفات دینی مانع شرارت‌های آن‌ها می‌شود و مغان ادعای مبارزه و تسخیر دیوان را داشته‌اند؛ بنابراین بخشی از اوستا (وندیداد) به نبرد با دیوان و پاکسازی جهان از پلیدی آن‌ها اختصاص دارد (هوار، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

در این باره مالاندرا معتقد است که احکام طهارت نیز اغلب تنها تا جایی قابل درک هستند که بخشی جدایی‌ناپذیر از ترکیب نظام اصلی دینی باشند؛ برای مثال ممکن است تصور شود که توجه زیاد به عمل انهدام مرده به دلیل ترس از تجزیه‌ی عناصر بدن است؛ اما پس از بررسی‌ها، انسان درمی‌یابد که تنها جسد مرد پارسا (اَسَوَن) به دلیل دیوزدگی به وسیله‌ی دیو مرگ (دروچ نسو)، ناپاک است؛ درحالی که مردار انسان بددین (دیو دُرَوَند) توسط دیو تصرف نمی‌شود و

۱. از ابتدا در باور آن‌ها تابو دو مفهوم متضاد نداشت؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانستند میان مقدس و پلید و پاک و ناپاک تمایز قابل شوند. مقدس و پلیدی که بعدها سرچشمه‌ی تابو شد، تنها به دلیل ترسناک و خطرناک بودن موجب پرهیز از آن‌ها می‌شد (Douglas, 2001: 7-9).

بی ضرر است. بنابراین، دیوشناسی، یک عامل تعیین کننده در بررسی مسئله‌ی طهارت خواهد بود. وی معتقد است هر چند می توان میان این آیین ها و اصول بهداشتی شباهت هایی یافت، چنین شباهت هایی را باید امری تصادفی قلمداد کرد و بهتر است که پایه و عامل اصلی وضع چنین قوانینی را دیوشناسی بدانیم (Malandra, 1983: 162-164).

پژوهشگر دیگری که درباره‌ی طهارت در دین زرتشتی تحقیقات ارزشمندی انجام داده است، جمشید چاکسی است.^۱ وی پایه و اساس تعلیمی تمامی اعمال دینی را دوگانگی میان راستی و دروغ و تضاد حاکم بر روابط سپنتمینو و انگره‌مینو می‌داند و آیین ها را صورتی نمادین از این دوگانگی باور می‌داند که در جهان خارج نمود می‌یابد (Choksy, 1989: 112).

همان طور که پیش تر گفتیم، در یک نظام دینی، پاکی و ناپاکی معمولاً مبتنی بر پاکیزگی و آلودگی بهداشتی نیست؛ بلکه مبتنی بر پاکی و ناپاکی آیینی است که به واسطه‌ی رعایت و عدم رعایت احکام دینی در فرد مؤمن به وجود می‌آید و از این طریق او را از روند فعالیت های روزمره‌ی زندگی جدا می‌کند؛ بنابراین در اینجا تأکید بر پاکی آیینی (طهارت) است، نه بهداشت. از سوی دیگر، مفهوم طهارت بی شباهت به مفهوم بهداشت نیست؛ زیرا همه‌ی آنچه در بدن غیربهداشتی و غیرعادی است، مانند بیماری، قاعدگی، زایمان، مرگ تمام جسم یا بخش هایی از آن و گناه به عنوان نوعی بیماری، در حوزه‌ی طهارت تعلیم دینی مورد توجه هستند و به پرهیز از آن ها توصیه شده است (Carnoy, 1980: 10/ 492).

تحقیقات اولیه در باب پاکی و ناپاکی در دین زرتشتی، بر اساس نظریات بهداشتی جدید و «پزشکی آسیب شناسی»^۲ که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رایج بود، آغاز شد که به رویکرد جدیدی به فلسفه‌ی طهارت در دین زرتشتی منجر شد.

در نتیجه‌ی آغاز این تحقیقات، دسته‌ای از پژوهشگران چون دارمستر، با وجود آگاهی داشتن از پدیده‌ی پلیدی آور دیو در آموزه‌های اوستایی، این آیین ها را نوعی نظریه‌ی بهداشتی می‌دانند و اظهار می‌کنند اصطلاحی که در باب پاکی به کار می‌رود، هر چند بار معنایی اخلاقی دارد، به معنای بهداشت و نظافت نزدیک تر است (دارمستر، ۱۳۸۴: ۲۸۹-۲۹۰).

مودی یکی از پژوهشگرانی است که برای تطبیق دستورات پاکی زرتشتی با یافته‌های بهداشتی جدید تلاش کرده است. وی با اشاره به وجود پزشکانی در لباس روحانی در دنیای باستان، از مصر تا هند، استدلال می‌کند که آیین های تطهیر زیاد هم با اصول بهداشتی جدید بیگانه نبوده‌اند (Modi, 1922: 87-90).

۱. جمشید چاکسی که سنت های کاربردی و فراموش شده درباره‌ی پاکی و ناپاکی را تا دوران حاضر بررسی کرده، قوانین ناظر بر پاکی و ناپاکی را بر اساس متون مقدس اوستایی و شرح و تفسیرهای نوشته شده به زبان پهلوی برشمرده و در ادامه، کیفیت برگزاری آیین برشوم نه شبهه را توضیح داده است. وی سپس، آیین های تطهیر در مواقع خاص، همچون دوره‌ی قاعدگی و طهارت روزانه، همچون طهارت پس از برخاستن از خواب را تشریح کرده و در فصل پایانی ارتباط میان طهارت با نمادگرایی و آخرت شناسی را به بحث گذاشته و جایگاه آیین های طهارت را در مراسم و تشریفات دینی بررسی کرده است.

زرتشتیان معاصری هم که پیرامون این موضوع اظهارنظر کرده‌اند، معتقدند آنچه در متون اوستایی در این باب گزارش شده و آنچه از آن به عنوان دوری از پلیدی دیوان یاد می‌شود، همان اصول بهداشتی است که در دوران باستان در قالب آن اصطلاحات بیان شده است و هدف آن‌ها چیزی جز حفظ سلامتی انسان و محیط زندگی او نیست (شاهرخ، ۱۳۸۸: ۲۱۱؛ جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۱۸۹؛ مهرین، ۱۳۶۲: ۶۴). این دیدگاه در نزد ایشان به اندازه‌ای استحکام یافته است که حتی پژوهشگرانی چون جنیدی در برداشت خود از وندیداد، منظور از دیو مرگ را همان میکروب می‌دانند (جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۱۸۹).

یکی دیگر از مسائل بحث برانگیز در طهارت زرتشتی که با بحث بهداشت نیز ارتباط دارد، طهارت با گمیز است؛ زیرا بیشتر آیین‌های طهارت در وندیداد به ادرار گاو مربوط است. ادرار گاو امروزه نزد مردم نوعی آلودگی بهداشتی محسوب می‌شود؛ اما اسناد تاریخی و تحقیقات علمی نشان می‌دهند که نه تنها استفاده از ادرار گاو غیر بهداشتی نیست، بلکه استفاده از ادرار حیوانات در طب قدیم امری معمول و متعارف بوده است.

یافتن روش‌های استفاده از ادرار در میان اقوام دیگر نیز چندان مشکل نیست. در میان هندوان، بزرگ‌ترین و رایج‌ترین وسیله‌ی پاک‌کننده، ادرار گاو بوده است؛ به همین دلیل آن‌ها ادرار گاو مقدس را در ظرفی مخصوص نگهداری می‌کنند. اهالی بومی کالیفرنیا با مالیدن ترکیبی از ادرار و زغال روی تمام بدن، از مادر و فرزند در برابر تغییرات آب و هوایی محافظت می‌کردند. زنان آن‌ها نیز برای شست‌وشوی صورت خود از ادرار استفاده می‌کردند (Bourke, 1891: 112-201). در طب دوران اسلامی نیز رگه‌هایی از کاربرد ادرار را می‌توان یافت. روایاتی در مورد قابلیت این مایع در بهبود بعضی از بیماری‌ها ارائه شده است. در این باره می‌توان به حدیثی منسوب به امام صادق (ع) اشاره کرد که ایشان در پاسخ به سؤالی درباره‌ی مصرف دارویی ادرار می‌فرمایند: «اگر استفاده از ادرار گاو، گوسفند و یا شتر برای درمان بیماری باشد، فرد می‌تواند به وسیله‌ی آن خود را درمان کند (حتی اگر باید بنوشد)» (حر عاملی، ۱۳۹۰، ۳/ ۴۱۰). همچنین در حدیثی از امام کاظم (ع) نزدیک به این مضمون، بر قابلیت دارویی ادرار شتر تأکید شده است (همان: ۲۵/ ۱۱۴). در روایت دیگری که از امام صادق (ع) ذکر شده، ایشان بر کاربرد ادرار شتر برای درمان تنگی نفس تأکید داشته‌اند (شکری، ۱۳۹۰: ۵۵).

با مطالعه‌ی تاریخ اسلامی در دوران بعد نیز مطالبی در باب خاصیت دارویی ادرار و استعمال آن یافت می‌شود؛ برای نمونه استفاده از ادرار در قرون چهار و پنج هجری برای درمان بعضی از بیماری‌ها رواج داشته است (فقیهی، ۱۳۶۶: ۷۶۰).

در طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های مفیدی در عرصه‌ی استفاده از ادرار صورت گرفته است؛ به طوری که بعضی از محققان معتقدند ادرار گاو حاوی موادی است که بدن انسان به آن‌ها نیازمند

است. این مواد برای ایجاد تعادل در عناصر بدن بسیار مفید هستند و در درمان بیماری‌هایی مانند دیابت، فشار خون، تنگی نفس، حساسیت‌های پوستی و... می‌توانند مفید باشند (Kumar Jain, 2012). با این اوصاف باید بگوییم که این ماده‌ی درمانی در دین زرتشتی به مرور زمان ریشه‌ی اجتماعی و هدف اصلی خود را از دست داد و به صورت بخش جدایی‌ناپذیری از آداب و تشریفات آیینی درآمد (آشتیانی، ۱۳۷۱: ۳۵۶).

۵. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مقاله باید بگوییم درک قدرت پاک‌کنندگی آب بر هر انسانی آشکار است و نیاز نیست برای درک این نکته که پیروان ادیان قدیم از این ویژگی باخبر بوده‌اند استدلال کنیم؛ زیرا هر کس با ابتدایی‌ترین شناخت از آب متوجه می‌شود که بسیاری از آلودگی‌های انسان و محیط او را برطرف می‌کند. این موضوع به صورتی خفیف‌تر درباره‌ی عناصری مانند تابش آفتاب و پرتو آتش نیز صدق می‌کند. درباره‌ی قدرت بهداشتی گمیز نیز چنانکه نمونه‌هایی ارائه کردیم، معلوم می‌شود که استفاده از گمیز گاو یا حیوانات با این هدف، به دین زرتشتی اختصاص ندارد. اینکه این عناصر در میان آریاییان پیش از زرتشت قدرت پاک‌کنندگی بهداشتی داشته است نیز مسئله‌ی قابل درکی است. مسلم است که افراط بیش از حد آیین‌های طهارت در وندیداد نمی‌تواند مبتنی بر فواید بهداشتی باشد؛ زیرا چنانکه گفتیم، رفتار متفاوتی که با جنازه‌ی زرتشتی و غیرزرتشتی می‌شود و باوری که در این باره وجود دارد، تناسبی با اصول بهداشتی ندارد؛ چنانکه آیین‌هایی مانند سگ‌دید هیچ ارتباطی با بهداشت ندارد. به این ترتیب باید فلسفه‌ی طهارت و آیین‌های مربوط به آن در دین زرتشت را به ثنویت کیهانی خیر و شر مربوط دانست. باور به عنصر خیر و شر در هستی بسیار بر دین زرتشتی تأثیر گذاشته است. زیاده‌روی در این زمینه تا اندازه‌ای است که حتی عنصری طبیعی مانند سرمای زمستان نیز کار عناصر شر تلقی می‌شود. دین زرتشتی از این نظر با ادیان نخستین شباهت دارد.

درست است که در گاهان ریشه‌ی ثنویت خیر و شر را می‌توان دید؛ اما اینکه آیین‌های طهارت در تعالیم زرتشت ریشه دارند، غیرقابل اثبات است و نشانه‌های موجود خلاف آن را ثابت می‌کنند؛ زیرا پیام زرتشت گرچه نوعی ثنویت را مطرح می‌کند، این ثنویت بیشتر اخلاقی است و به آیین‌های افراطی، پیچیده و وسواس گونه‌ی طهارت مربوط نمی‌شود. جوهر تعلیم زرتشت و دیگر بنیانگذاران ادیان، تناسبی با این نوع آیین‌گرایی ندارد.

همچنین، نتیجه می‌گیریم که استفاده از گمیز گاو و دیگر چارپایان برای امور بهداشتی و دارویی، در دوره‌ی تدوین وندیداد و صدها و بلکه هزاران سال بعد از آن، در میان بسیاری از فرهنگ‌ها معمول بوده است و این نکته نمی‌تواند موجب استهزا و نقد یک‌جانبه‌ی دین زرتشتی باشد.

منابع

- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۲). *اوستا*. تهران: مروارید.
- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). *زرتشت (مزدیسنا و حکومت)*. تهران: سهامی انتشار.
- بار، کای. (۱۳۸۶). *دیانت زرتشتی*. ترجمه‌ی فریدون وهمن. تهران: ثالث.
- بویس، مری. (۱۳۷۶). *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده. تهران: توس.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.
- جنیدی، فریدون. (۱۳۸۹). *حقوق جهان در ایران باستان*. تهران: بلخ.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰). *وسائل‌الشیعه*. نرم‌افزار جامع‌الأحادیث.
- دارمستر، جیمز. (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین زرتشت (وندیداد اوستا)*. ترجمه‌ی موسی جوان. تهران: دنیای کتاب.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن (مشرق‌زمین گاهواره‌ی تمدن)*. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: انقلاب اسلامی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۶). *صور بنیانی حیات دینی*. ترجمه‌ی باقر پرهام. تهران: مرکز.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۲). *تعلیقات و حواشی اوستا*. تهران: مروارید.
- دوشن‌گیم. (۱۳۷۵). *دین ایران باستان*. ترجمه‌ی رؤیا منجم. تهران: فکر روز.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۵). *ترجمه و شرح وندیداد*. تهران: بهجت.
- زهر، آر. سی. (۱۳۸۷). *طلوع و غروب زرتشتی‌گری*. ترجمه‌ی تیمور قادری. تهران: امیر کبیر.
- شاهرخ، کیخسرو. (۱۳۸۸). *زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت*. تهران: جامی.
- شکری پینودی، محسن. (۱۳۹۰). *طب‌الصادق (ع)*. قم: أسماء الزهراء.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۸). *شاخه‌ی زرین: پژوهشی در جادو و دین*. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- فقیهی، علی اصغر. (۱۳۶۶). *آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر*. تهران: دیبا.
- کرین بروک، فیلیپ جی. (۱۳۸۸). «اخلاق و جامعه در دین زرتشتی». ترجمه‌ی سید سعیدرضا منتظری. جستاری در فلسفه‌ی زرتشتی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مهرین، مهرداد. (۱۳۶۲). *دین بهی: فلسفه‌ی دین زرتشت*. تهران: فروهر.
- نیولی، گرادو. (۱۳۸۱). *زمان و زادگاه زرتشت*. ترجمه‌ی سید منصور سید سجادی. تهران: آگه.
- وادیا، ار. (۱۳۸۷). «فلسفه در دین زرتشتی». *تاریخ فلسفه‌ی شرق و غرب*. گردآوری سروپالی رادا کریشان. ترجمه‌ی جواد یوسفیان. تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلیامز، آلن. (۱۳۸۸). «دین زرتشتی متأخر». ترجمه‌ی سید سعیدرضا منتظری. جستاری در فلسفه‌ی زرتشتی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هوار، کلمان. (۱۳۷۹). *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه‌ی حسن انوشه. تهران: امیر کبیر.
- هینلز، جان. (۱۳۸۸). «فلسفه‌ی معاصر زرتشتی». ترجمه‌ی نیلوفر السادات نواب. جستاری در فلسفه‌ی زرتشتی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

- Bartholomae, Christian, 1904, *Alt iranisches Wörterbuch*, Strassburg: verlag von karl j. trubner.
- Boyce, Mary, 1989, «Brašnom», *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater(ed), New York: Bibliotheca Persica Press, pp:3/756-757.
- _____. 1992, «Cleansing i. In Zoroastrianism», *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed), New York: Bibliotheca Persica Press, pp:5/693.
- _____. 2003, «GÖMĒZ», *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed), New York: Bibliotheca Persica Press, pp: 11/ 120-121.
- Bourke, John G, 1891, *Scatologic Rites of all nations*, Washington: Kessinger Publishing.
- Carnoy, A.J., 1980, «Purification (Iranian)», *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed), New York: University of Chicago Press, pp:10/491-492.
- Choksy, Jamsheed K., 1989, *Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph over Evil*, Austin: University of Texas Press.
- Cooke, S.M., 1980, «Purification (Hebrew)», *Encyclopaedia of Religion and ethics*, James Hastings (ed), New York: University of Chicago Press, pp: 10/489- 490.
- Douglas, Mary, 2001, *Purity and Danger*, London & New York: Taylor & Francis e-Library.
- Hintze, Almut, 2004, «On the ritual significance of the Yasna Haptanhāiti», *Zoroastrian rituals in context*, Michael Stausberg (ed) , Netherlands: Koninklijke Brill.
- Kumar Jain, Virendra, 2012, «Role of Jain's Cow Urine Therapy In Various Diseases», www.cowurine.com.
- MacKenzie, D.N., 1986, *A concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford university press.
- Malandra, Willam. W., 1983, *An introduction to ancient iranian religion*, Minneapolis: University of minnesota press.
- _____. 2006, «Vendidad», www.encyclopaediairanica.org.
- Modi. Jivanji Jamsheed, 1922, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay: British India Press.
- Popper, William, 1980, «Purification (Muslim)», *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed), New York: University of Chicago Press, pp: 10/496.
- Skjærvø, prods Oktar, 2004, «Smashing Urine: On Yasna 48.10», *Zoroastrian rituals in context*, Michael Stausberg (ed) , Netherlands: Koninklijke Brill.
- Townsend, H.C., 1980, «Purification (Christian)», *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed), New York: University of Chicago Press, pp: 10/474.